

# جام نو و می کهن

## مقالاتی از اصحاب حکمت خالده

به کوشش مصطفی دهقان

www.ketab.ir



نگارستان اندیشه

تهران - ۱۴۰۰

سرشناسه: دهقان، مصطفی، ۱۳۵۸- گردآورنده  
عنوان و نام پدیدآور: جام نو و می کهن: مقالاتی از اصحاب حکمت خالده/ به  
کوشش مصطفی دهقان. تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۰  
مشخصات ظاهری: ۵۴۰ ص. ۵/۱۴×۲۱/۵ س م  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا. شابک: 1-42-6607-622-978  
عنوان دیگر: مقالاتی از اصحاب حکمت خالده.  
موضوع: فلسفه -- مقاله‌ها و خطابه‌ها. هنر -- فلسفه -- مقاله‌ها و خطابه‌ها.  
Philosophy -- Addresses, essays, lectures Art -- Philosophy -- Addresses,  
essays, lectures.

رده بندی شکره: B ۲۹ رده بندی دیویی: ۱۰۰

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۲۵۴۸۳

## جام نو و می کهن مقالاتی از اصحاب حکمت

به کوشش مصطفی دهقان  
ناشر: نگارستان اندیشه  
طراح جلد: سعید صحابی  
ویراستاری: بابک بنزاده  
حروف نگاری و صفحه‌آرایی: مرتضی انصاف‌منش  
نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۰  
شمارگان: ۵۰۰  
چاپ و صحافی: صادق  
همه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹، واحد ۷

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶ - ۶۶۴۳۵۴۲۳ نمایه: ۶۶۹۴۲۵۴۲

info@cins.ir\_www.cins.ir

## فهرست

۹	..... دیاچه
	متافیزیک
	آتما - مایا
۲۱	..... فریتھیوف شوئون / نمود بینای مطلق
	روح و عقل
۳۷	..... رنه گنون / بابک عالیخان
	مثال جاوید
۴۳	..... رنه گنون / سعید بینای مطلق
	کلمه و سمبول
۴۹	..... رنه گنون / سعید بینای مطلق
	فهم و اعتقاد
۵۷	..... فریتھیوف شوئون / حسین خندق آبادی
	آیا مسئله شر وجود دارد؟
۷۹	..... مارکو پالیس / احمدرضا قائم مقامی
	فلسفه جاودان در زمینه‌ای عمومی
۱۰۹	..... رابرت کامینگ نویل / امیر مازیار
	پاسخ به رابرت کامینگ نویل
۱۴۳	..... سید حسین نصر / امیر مازیا

## نقد مدرنیته

### پیوند پنهان علم و اسطوره

ولفگانگ اسمیت / حسن آذرکار ..... ۱۶۵

### حضور و قدرت تقدس

روژه دو پِسکیه / مصطفی دهقان ..... ۱۹۱

### سنت قدسی و نیاز امروز

جاکوب نیدلمن / مهرداد وحدتی دانشمند ..... ۱۹۹

### شکوای زمین

گای ایئر / مهدی زمانی ..... ۲۲۹

### آموزش و پرورش جامع

آلدوس هاکسبل / سعید رضایی ..... ۲۴۷

## رمزپردازی

### معانی رمزی سه گانه رنگ‌های اصی

مارتین لینگز / محسن قائم مقامی ..... ۲۶۳

### معانی رمز آینه

تیتوس بورکهارت / احمد رضا قائم مقامی ..... ۲۸۱

### شمشیر روح؛ ساختن یک تسییح در سنت ارتدکس

دی. ام. دید / امیر یوسفی ..... ۲۹۱

## هنر

### چرا کارهای هنری را به نمایش بگذاریم؟

آناندا کوماراسوامی / امیرحسین ذکرگو ..... ۳۰۹

### فلسفه هنر مسیحی و شرقی، یا فلسفه راستین هنر

آناندا کوماراسوامی / امیرحسین ذکرگو ..... ۳۴۳

## نقش و جهان‌شناسی

- ۳۶۹ ..... کیمت کریچلو / مهرداد قیومی بیدهندی.  
مراتب نمادپردازی در هنر اسلامی
- ۴۰۱ ..... تیتوسس بورکهارت / امیر نصری  
نکته‌ای در حقیقت، خوبی و زیبایی
- ۴۰۷ ..... لُرد نورثبورن / ایرج داداشی  
آیا زیبایی یک ساحت است؟
- ۴۱۷ ..... آناندا کوماراسوامی / امیرحسین ذکرگو.  
آناندا کوماراسوامی

## دین و عرفان

- ۴۳۹ ..... فریتھیوف شوئون / مونا بینای مطلق  
حضرات پنج‌گانه  
رمزپردازی
- ۴۶۳ ..... ویتال پری / مهرداد قیومی بیدهندی  
پاره شدن پرده معبد
- ۵۰۱ ..... ژان بورلا / سعید بینای مطلق  
جهان مادی و مغاک کیهانی
- ۵۱۹ ..... لئو شایا / محمودرضا اسفندیار  
لئو شایا

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

## ■ دیباچه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و به نستعین، عمر بالنسبه کوتاه اما آکنده از فعالیت حکیمان سنتی عصر ما چنان وسعت و نفوذی داشته است که تقریباً هیچ خطئه شایان توجه را، در سراسر آفاق، ناگشوده باقی نگذاشته است. مراودات و مفاوضات با حکیمان و عالمان اسلامی و مسیحی و یهودی و بودایی و چینی و هندی در شرق و غرب و تألیف و تصنیف در وحدت متعالی ادیان و آشنایی با فلسفه اولی و مباحث و مناظره با فیلسوفان معاصر و مبارزه بر ضد دعوت تجددگرایی و تقریر مقالات ردّی و ردّ تالیان آن و سعی در کشف رموز سنتی و بذل همت در جرح شبهات بعضی هنرمندان عصر در باب هنر و سیاحت در بلاد سرخ‌پوستان و برهمنان و صحبت با مشایخ معاصر صوفیه در آفریقا، همه احاطه و وسعت آگاهی ایشان را از فرهنگ ادیان و دیروز نشان می‌دهد و از مساعی ایشان در عین حال مکتبی صاحب‌نظر، جستجوگر، منتقد، عارف و خوش‌تقریر و لطیف می‌سازد که تعلیم عموم اهل ادیان از عرفان و در قالب "حکمت خالده" تلفیق کرده است. مسئله عرفان را اساس ادیان تلقی کرده‌اند و همین مسئله است که آنها را از تعصب خاص ارباب شریعت دور ساخته است و بدون آنکه بی‌برهان و از روی حب و بغض در تخطئه اهل مقال بکوشند از هر فرقه و نحله راست‌دینی آنچه را موجب تزکیه نفوس انسانی می‌پندارند، ستوده‌اند. بدین گونه تعلیم آنها ناچار نمی‌تواند از جنبه عرفانی خالی باشد و خود آنها نیز به لزوم این مطلب که موجب معرفت حقیقت ادیان و در عین حال استفاده از موارث حکمت انبیاء و حکماست تصریح دارند.

در این راه نخست مرحوم رنه گنون (۱۹۵۱-۱۸۸۶) بود که در دنیای جدید و در کار سنت اهتمام تمام کرد. غیر از یک دو استاد علامه سیلانی و سوئیسی و احياناً بعضی دیگر که در تبیین و تکمیل اساس تعلیم نکته‌ها در افزوده‌اند و در تحقیق در ادیان از اعظام عصر ما به شمار می‌آیند، آنچه امروز نزد مریدان این حلقه متداول است اصولاً حاصل مواعظ گنون است. اما این نه بدان معناست که وی را به غلط "بنیانگذار مسلکی تازه" بخوانند. اساساً تأسیسی در کار نیست؛ سخن از حقایق و حکمت جاودانی است که از ازل بوده و تا ابد هم خواهد بود منتها با علم غربی و رازآشنای غربی و تربیت یافتگان درس او به دنیای جدید هدیه شده است، با که از آلام انسان متجدد قدری بکاهد.

پس شکی نیست که تبیین تعلیمی را با سابقه و ابعادی به وسعت تاریخ بشر نمی‌توان با مقیاس‌های "خونی که فی‌المثل اندیشه "پست مدرن" را با آنها می‌سنجند در معرض داوری و ششخت آورد. خاصه که در تمام این ابعاد آنچه بیشتر مایه امتیاز آنهاست اصالت کم‌نظیری است که در آن کمتر نشان تصرف و بدعت پیدا است و در کلام و بیان حکمای سنی این اصالت جلوه دارد. فی‌الواقع ممکن نیست درباره جریان سنتی سخن در میان آثار و ابعادی چون سازگاری جمیع ادیان و نقد تجددگرایی و الهی بودن عالم و دقیق ره‌ن و سادگی باستانی - و نه آن سادگی حقیری که زبان معاندان را در حقّ قدما دراز کند - به مثابه یک خط قاطع در تاریخ سیر آن توجه محقق را جلب نکند. البته و رای این اصول که خود نوعی شورش بر ضد "علم پرومته‌ای" و نوعی گرایش به معارف نیاکان شریف بوده است جریان سنتی از اشتغال به پاره‌ای جزویات هم باز نایستاده است. نه فقط تعالیم قرآن کریم و مزامیر داودی تا انجیل و اوپانیس‌ها را سرلوحه کار خود ساخته بلکه آنچه را از آثار و اقوال افلاطون و بودا تا کنفوسیوس و مولانا باقی است هم در کار داشته است. حتی خود نیز از خلق آثار



جدید در جهت نشر آن معارف بازنمانده و کتب ارجمندی چون مقدمه‌ای بر مطالعه آموزه‌های هندو، انسان و سیوروت او مطابق با ودانته، بحران دنیای متجدد، وحدت متعالی ادیان، تبدیل و دگرگونی طبیعت در هنر، رقص شیوا، مقامات حکمت، منطق و تعالی، اسلام و حکمت خالده، آیین عقل، انسان و طبیعت، باورهای قدیم و خرافه‌های جدید، ساعت یازدهم و جز اینها را در همین عصر حاضر عرضه کرده است.

بسیاری از معاصران این آثار را با نظر توقیر و توجه نگرسته‌اند که هیچ، سعی نویندگان آنها در توضیح عرفان نظری و تحقیر مظاهر تجدد را هم مورد طعن و سوءظن یافتند با این همه در وارد بودن همه این انتقادات باید تأمل داشت. درست است که جمله این رسایل - لااقل آنها که به بزرگان تعلیم مربوط است - بس محکم و اسرارناشیا در بعضی آثار اخیرتر اقوال کم‌اعتباری هم هست که دستاویز منتقدان است. باید اینکه برخی نوشته‌های جدیدتر آن اندازه قوتی را که مثلاً در مقالات شوئون هست ندارند از آنجا باشد که بعضی از کسانی که خود را سنتی می‌خوانند از آن معنی که در معاش اخلاص واقعی و مراقبت قلبی است فقط نام مجرد دارند و به دیگر سخن جانی محقق - و نه معتقد - را سزاوار نیستند. مانعی هم ندارد که یک محقق به حد رسع خویش به التزام عقاید سنتی پایبند مانده باشد، ولی به سهو و نه به عمد رأیی ناسالبا اعضای جمعیت صادر نکند.

اینکه در این کتب بیش تر به اصول کلی پرداخته‌اند هرچند معقول و حتی مقبول به نظر می‌آید لیکن قاعدهٔ تخلف‌ناپذیر هم نیست و چنان‌که به اشارت گفتیم در احوال و ظروف خاص و برای بحث در یک مسئله ناچیز مربوط به روز هم مقالاتی تحریر کرده‌اند.

این ملاک هم که می‌گویند در بعضی از این آثار زیاده بر امر مافوق عقل تأکید

می‌کنند بر فرض که درست باشد و قول ایشان را در باب قدرت کشف و شهود بتوان بدین گونه تعبیر کرد، باز خود مانع از آن نیست که در آنچه ایشان تصنیف کرده‌اند قدرت عقل جزوی یکسره به چشم نیاید. گرچه آن‌گونه که خود می‌گویند فهم حقایق سنت در گرو دست دادن آن عقل دیگر است - عقل عقل.

تعداد این ایرادها بسیار است. آری منتقدان سنتیان بر ایشان تاخت‌ها برده‌اند، بعضی محکم و قابل تأمل بعضی سست و بی‌اساس. یک‌جا آنها را به کنایه خوش خیال خوانده‌اند. بعضی اشکال کرده‌اند که اصلاً این احیای سنتی که می‌گویند آیا ممکن و یا معقول هست؟ و بدین‌گونه از کجا معلوم طرحی که دربارهٔ بازگشت به سنت می‌ریزند و البته سعادت آن سلب رنگ و بوی تجدد را نیز اقتضا دارد جز از زمانی خیالی هیچ نباشد؟ یک‌جا اعتراض دارند که دانش آنها نه آن مایه است که بر فلاسفه مسئله احاطه تواند یافت و جای دیگر به فلان نویسنده در پیچیده‌اند که خود را آن‌ها را از مخالفت با دنیای جدید دم می‌زند اسیر لوازم تجدد هم هست. جایی هم مسئله به فلان نویسنده را لازم یافته‌اند که نمی‌بایست حق صنعت جدید را در مورد خود - به آنکه به انسان کرده است نادیده گیرد. بعضی آنها را انتقاد کرده‌اند که بیهوده بر بعضی فلاسفه جدید تهمت می‌زنند و یا گفته‌اند در انتساب بعضی اقوال به حکما به خطا رفته‌اند و سخنان آنها نه بدان معناست که فلان سنتی بدان‌ها نسبت داده است - حتی می‌گویند به اقتضای مصلحت امری را گاه ناگشودنی نشان داده‌اند و گاه آن را موافق مذاق خویش یافته‌اند. بعضی از اهل نظر نیز در هجاء این جماعت غلو کرده‌اند و به بعضی از آنها به تعریض نسبت سرقت از بعضی همدرسان خود داده‌اند.

این اعتراضات و اتهامات را سنتیان خود بیش و کم پاسخ گفته‌اند اما این را که در این راه تا چه حد توفیق داشته‌اند باید با احتیاط تلقی کرد. گرچه یک دسته در هواداری ایشان افراط می‌کنند و اگر بر خطایی از ایشان واقف شوند به اعتذار

از آن در می‌ایستند، یک دسته نیز در پنهان داشتن فضائل آنها و نشان دادن عیوب آنها گاه سعی سبک‌سرانه می‌ورزند. مثلاً همین منتقدان در تحقیق "سرفات" مورد قذح بلکه ریشخند نیز هستند چه آن یکسانی که می‌گویند از آن‌گونه معانی‌ای است که بین همهٔ اینها مشترک است و به عبارت دیگر تواردی است که حتی ممکن است در لفظ نیز بیان یابد. ضعف بعضی از این رسالات مورد انکار ما نیست. تعلیم سنتی در معارضه با تجدد و طرح آراء دیگر نمی‌تواند به کلی از خطا خالی باشد اما آنچه آثار ایشان را از سقوط در خامی و اشتباه‌کاری محض باز می‌دارد ایمان است که در آنها موج می‌زند - ایمان بی‌خلل و نزدیک به یقین. عین حقیقت است که نوشته‌های اخیر حتی قطع نظر از نقدهای نسبتاً بجا و قطع نظر از آنچه مکرر است، ان لحاظ تنوع و خاصیت نقادانه‌ای که دارد و هم استقراء در حقیقت ادیان اهمیت خاص دارد چه این سنتیان نه فقط با آثار و مناظرات خویش بعضی اذهان و عقول را تشجید و تقویت نموده‌اند بلکه بحث در باب کتب مقدس و علو اسالیب آنها نیز، آنها را به تحقیق عمیق‌تر در مسائل مربوط به ادیان راهنمون گشته است و البته در تفصیل آنها اینجا نمی‌توان وارد شد.

باری، طبع و نشر این مقالات پرشور اغلب به حوزه‌های دیدگاه سنتی در فرانسه و انگلیس و آمریکا محدود است. قطعاً محیط این کشورها که میدان مجادلات مکاتب نوخاسته و شکوفایی صنایع جدید بود در خاطر سنتیان تأثیر می‌کرد. آنها در شهری چون لندن می‌دیدند که سرنوشت سادگی آدم بازیچه‌ای شده است برای خیالات مشتی دلان متجدد که به قول خود از خرافه ابا می‌کردند. نه آیا مشاهدهٔ چنین احوالی طبع حساس و جدی عارفی چون گنون را از هماهنگی با این هوس‌ها رنجور می‌کرد؟ و نه آیا چون اوایی را به جستن حقیقت در ورای این خرافات عصر جدید برمی‌انگیخت؟

غیر از کشورهای مذکور، کانادا و هند و چند کشور دیگر هم صاحب کرسی این تعلیم هستند و علی‌الخصوص شور و علاقه فوق‌العاده بعضی محافل و انجمن‌های فلسفی در نشر و حفظ سنت مایه مزید حیثیت و نفوذ سنتیان در کشور ایران گردیده است و چند تن از دانشمندان برجسته آنها به همین حلقه ایرانی انتساب دارند. درست است که بعضی از آنها نوسان فکری حقیقتاً غربی داشته‌اند اما باید پذیرفت حتی آنهایی هم که گاه خود را به لباس اهل خیر درآورده‌اند و گاه به جامه بزم و رزم، یک موجب قوی‌گسترش حکمت سنتی دست‌کم در ایران و در برهه‌ای خاص از زمان بوده‌اند. امروزه هم که سخن از سنت جز در هفتا نرق در دیگر جای‌ها نیز رونق دارد، تعداد مفسران و مترجمانی که به چیزی که «هیچ تعلق به زمان حاضر ندارد» التفات یافته‌اند فزونی می‌گیرد و استغراب در نسبت را به جایی رسانده‌اند که پر و بال عمل را که غالباً بر هیجان عاری از اعتقاد منطقی است فرومی‌بندد. بعضی بی‌هیچ توجه به آنچه گذشته است فرصت را اغتنام کرده‌اند و بی‌دغدغه قدیم و جدید آنچه را مصلحت وقت می‌دانند انجام می‌دهند. همین‌جمله که برخی انجمن‌های حکمی و فلسفی تعالیم سنتی را می‌کاوند کار سترگی است که طالب حقیقی از آن فایده‌ها می‌گیرد. همین که استادی حکمة الاشراف و «تویجات» درس می‌گوید یا یکی تمهیدات، خود به حد کفایت از زنده بودن جریان سنتی در ایران حکایت دارد. حاجت نیست که حتماً از نوشته‌های امثال نیدلمن و برون و لوی و روژاک و دیگران، ترجمه‌های رنگارنگ در دست باشد. شگفت است که شرطی هم برای ترجمه قائل نیستند و گمان می‌برند توفیق در آن تنها وابسته به دانستن صرف و نحو است. ایمان به مطلب مورد ترجمه بماند، آشنایی با موضوع آن هم گویی هیچ شرط نیست. شاید هم مترجم، محتشمی صاحب نفوذ است تا اگر در کار او نقصی باشد منتقدان به دلیری از آن چشم‌پوشند. مشکل البته منحصر به عقل

معاش بعضی از این مترجمان و اغراض بازرگانی بعضی ناشران نیست، اکنون گرایش‌های علمی بعضی داعیه‌داران ما علاقه دارد بدعت و تجدد را نقد کند و در ارج و قرب سنت تحسین و تبلیغ؛ اما بعضی از اینها غافلند که روح تازه‌ای به کالبد سنت نمی‌دمند تنها آن را تأویل فردی می‌کنند. گرچه از شنعت زدن در حق سنت تحاشی دارند و نفی حرمت آن را هم نوعی جهل و ابرام جاهلانه می‌یابند اما چوبی را که برای مالیدن متجددان برداشته‌اند بر سر سنتیان هم فرود می‌آورند.

در هر صورت این اختلاف شروح و تفاسیر که ناچار اسباب گونه‌گون دارد برای کسی که می‌خواهد از مفاهیم سنتی نسخه‌منتقحی تنظیم کند قدری دشواری دارد. البته خواننده علاقه‌مند می‌تواند از مقالات و ترجمه‌هایی که با قلم توانای بسیاری از نویسندگان در نشریات معتبر عرضه شده و یا کتب مهمی که طبع شده و یا تحت طبع است بهره‌جوید. اما آریبی که در این مقالات هست وقتی می‌تواند او را مدد دهد که نقد معتاد و مترجم آن را ساخته و پرداخته کرده باشد.

همین‌جا ذکر این نکته ضروری است که مترجمان این مجموعه اغلب از استادان اهل فن هستند. خواننده بداند که اگر هم دانشجوی جوان‌تری هست لااقل با موضوع آشناست و نزد همین اساتید مشق کرده است. البته اینکه تعدادی مترجمان آشنا با موضوع را فرصت همکاری با این گروه نبود در خور افسوس است اما مایه‌نومیدی نیست. زیرا خیرت و بصیرت بعضی اساتید این مجموعه و ترجمه‌های پرفروغشان چنان چشمگیر است که تنها به واسطه همین‌ها می‌توان از بعضی آراء سنتیان به‌درستی و قوف یافت. در مورد آن بقیه نیز به جرأت می‌گوییم که از کژتابی‌ها و بی‌رسمی‌های معمول یکسره منزله‌اند ولی چون ترجمه در هر حال و به هر صورت که باشد حکایت حال مترجم

است و ناچار قدرت و تسلط شخص او همه را در آن مداخله هست، پس بهتر است که خواننده نیز کیفیت آنها را خود با مطالعه آنها اندازه کند و اگر احتمالاً اعتراضی هست پاسخش را از شخص مترجم بخواهد، چه نگارنده را نه و سعت نظری هست که به کشف همه این دقایق قادر شود و نه رخصتی بود که به بعضی سلاقی ایراد کند.

خواننده این را هم باید در نظر آورد که همسویی بعضی اشخاص که مقالاتشان در نشریات این جمعیت به چاپ رسیده مشکوک است. در همدلی دانشمندان بره جنه‌ای چون کربن و ایزوتسو و چیتیک و موراتا با سلسله سنتیان شبهه‌آمیز نیست اما قرابت بین افکار اینها و جماعت مورد بحث فقط ارتباط فکری است به ارتباط طریقتی. گرچه گویندگانی چنین اگر هم خود به جریان اخیر منسوب نبوده‌اند، به شیوه سنتیان فتوا نداده‌اند غالباً به سبب تصحیح متون کهن که از مآخذ تفحص در احوال قدماست و تحقیق در اسلام و تصوف و جز آنها، نقش غیرمستقیم و قابل ملاحظه‌ای در مطالعه سنت داشته‌اند و از این رو در جست‌وجوی تعالیم سنتی و بررسی‌های مربوط بدان از توجه به نوشته‌های این کسان و هم تعمق در متون و رسالاتی که تصحیح کرده‌اند نمی‌توان به کل غافل بود. خلاصه نیل به یقین علمی که آیا مثلاً آن آمریکایی مقیم واشنگتن یا این روسی جوانی که به هندوستان در آمد، فریحه "جاودان خردی" دارد یا نه؟ مقتضی آنست که جست‌وجوگر خود جهات ترجیح آن را بیابد وگرنه مناقب نوشتن و اینکه اینها در این زمره می‌آیند و آنها نمی‌آیند، اینها کی به دنیا آمده‌اند و که را به نکاح در آورده‌اند هیچ کمکی به او و شناخت تعالیم ایشان نمی‌دهد.

در حقیقت آنچه نیز نویسنده را به گردآوری تازه‌ای واداشت به نوعی توجه به همین وجه اخیر بود یعنی معرفی آنها به واسطه آثار خود آنها و نه "تاویل ما".

احتمالاً آنچه از این راه حاصل می‌شود یقین و تجربه خواننده است که با تفسیر شخصی این و آن تفاوت بسیار دارد و خواننده‌ای که بدین گونه به حقیقت ایشان علم می‌یابد مثل آنست که معلوم را به جای آنکه از روی خبر تصدیق کرده باشد با دست خویش پسوده باشد.

گرچه در این باب نیز محققان به زبان‌های آلمانی و فرانسوی و انگلیسی کتاب‌ها پرداخته‌اند و از جمله بعضی کتب فارسی در این زمینه اطلاعات بسیار سودمند در بردارند، باز مجموعه‌ای تازه که مبتنی بر مقالات و ترجمه‌های آنهاست به نظر خالی از فایده نیست. درست است که خواندن متن اصلی همواره لذتی دارد که شاید ترجمه از انتقال شور و حال آن عاجز بماند و یا به قول ابو عثمان عمرو بن بحر «احظ در الحیوان معنی عظیم را به لفظی سخیف در آورد که خود از قدر ترجمه بی‌گاهد، اما با این حال هیچ پوشیده نیست که یک ترجمه خوب - اگر دست دهد - یاناً خواننده را از متن اصلی بی‌نیاز تواند کرد. این مقالات که در اینجا گرد آمده و بعضی آراء سنتیان را در بردارد، اگرچه از نمونه آثار بعضی از آنها خالی است باز امید است که تصور بالنسبه روشنی از میراث "حکمت جاودان" به خوانندگان کتاب عرضه گردد و دانشجویان جوان‌تر را همچون راهنمایی باشد به دنیای افکار و احوال اینسان تا نقد و شناخت و ارزیابی درست آنها برای ایشان هرچه بیشتر ممکن شود. با توجه مقالات این نویسندگان با یکدیگر قرابت بسیار نشان می‌دهد و در واقع همه متعلق به یک مکتب است اما خواننده خواهد دید که از حیث جزالت و عمق تفاوت بارز دارند. ولی مطمئناً اگر بتوان اصول اعتقادات قوم را از لابلاهی اذهان و کتب مختلف آنها بیرون کشید در عین حال می‌توان خواننده را به شناخت دیگر سنتیان و آثارشان رهنمون شد.

باری، هیچ دعوی از این گزاف‌تر نیست که محققى بخواهد از بین این همه

مقالات سنتیان بعضی را برگزینند و بر بعضی دیگر برتری نهد اما کدام خواننده‌ای هست که از آشنایی با تعدادی از این نوشته‌ها نکته‌های تازه نیاموزد. فلذا اگر جمع تمام آراء سنتی در کتابی مانند این کتاب میسر نباشد ذکر بعضی از آنها به هر حال دلپسند خواهد بود و سعی صاحب این قلم که کوشیده است مباحث گونه‌گون جریان سنتی را تا حدی تحت ضابطه در آورد هرچند از تهوری خالی نباشد در هر حال سودمند تواند بود. این هم اگر هست همه مدیون عنایت اساتید و ده ستانی است که در کار طبع این اثر دلسوزی صمیمانه کرده‌اند. از اولیاء محترم و بنسب تحقیقات و توسعه علوم انسانی خاصه آقای دکتر قربان بهزادیان‌نژاد و دوست خرم صادق حیدری‌نیا سپاس بسیار دارم. یاورها و پایمردی‌های حسین حناق آبادی، مشفق مهربان و دوست عزیزم، فراوان موجب امتنان است و هر چه نتوانست البته بر عهده این بنده است.

سأل الله التوفيق فإنه قدير وبالاجابة جدیر

مصطفی دهقان

کرج، ۱۳۸۳